

اشک و عشق

شاهین فرزند

انری تحسین شده...

شابک : ۹۵۰۰۰ ریال ۰-۴۸-۱۴۱-۶۱۴۱-۶۰۰-۹۷۸ :

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۰۹۱۴۸

عنوان و نام پدیدآور : اشک عشق / شاهین فولادوند.

مشخصات نشر : ایلام: برگ آذین، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۵۸ص: ۱۴×۲۱سم.

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ (فیلمنامه ها)

رده بندی دیویی : ۶۲/۳۴۸

پند و کنگره : PIR۸۳۵۶/ و ۷۴۵۵ ۱۳۹۵

سرشناسه : فولادوند، شاهین، ۱۳۶۹ -

وضع فهرست نویسی : فیپا



نام کتاب: فیلمنامه اشک عشق

نویسنده: شاهین فولادوند

حروف چینی: طیبیه مفتاحی

صفحه آرای: مؤده صدر

طرح جلد: لیلی دهبالایی

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات برگ آذین ایلام

شابک: ۰-۴۸-۱۴۱-۶۱۴۱-۶۰۰-۹۷۸

نشانی ناشر: ایلام، میدان معلم، خیابان مبارزان، انتهای مبارزان یک

تلفن: ۰۹۱۸۹۴۸۵۲۵۹

یادداشت نویسنده:

اغلب بر این باورند که فیلمنامه‌نویسی یک اثر مستقل نمی‌باشد و صحنه‌ها و سکانس‌هایی خام‌اند که برای به تصویر کشیدن، نیازمند یک کارگردان است. البته من صرفاً این اعتقاد را قبول ندارم و نمی‌توان گفت که یک سناریوی نوشته شده‌ی کامل بی‌اساس است و ماده‌ی خامی است که باید حتماً به فیلم تبدیل شود. عده‌ای دیگر هم بر این باورند که در یک فیلمنامه به فیلم تبدیل نشود دیگر فیلمنامه نیست و ممکن است که این حرف تا حدودی درست باشد ولی باز هم برای تمامی فیلمنامه‌ها سازگاری ندارد. برخی فیلمنامه‌ها هستند که به فیلم تبدیل نشده‌اند اما می‌توان بارها آن‌ها را خواند و از خواندنشان هم لذت برد و این کار می‌تواند یک هدف آموزشی برای علاقه‌مندان به این حرفه تلقی گردد. پس اینکه بگوییم فیلمنامه یک اثر مستقل نیست تا حدودی به این حرفه بی‌اعتنا بوده‌ایم. چاپ فیلمنامه‌ها که بنا به دلایلی موفق نشده‌اند که به فیلم تبدیل شوند باعث می‌شود که فیلمنامه‌ها به بیت مستقلی از خود نشان دهند و تلاشی است برای اهداف آموزشی این فن. برعکس صوت فیلمنامه‌ها هم متن هستند و هم دیالوگ و باید با آثار داستانی با ارزش هم برابری کنند. اصلاً منبع خوبی است برای همه کسانی که می‌خواهند این حرفه را دنبال کنند. به هر حال در سطح شهرستان‌ها به فیلمنامه‌ها و خواندنشان کم‌توجهی شده است و برای علاقه‌مندان این رشته کلاس‌های آموزشی خوبی برگزار نمی‌گردد و هنرجویان بی‌انگیزه می‌شوند. فیلمنامه‌های متعددی را تاکنون به رشته تحریر در آورده‌ام ولی امکانش پیش نیامده که بتوانم بیشتر آن‌ها را بفروشم یا به فیلم تبدیل کنم اما باز خسته نشده‌ام بلکه هر روز چیزهای بیشتری را فرا گرفته‌ام و برای بهتر شدن آنان همواره کوشیده‌ام. و به عکس‌العمل آدم‌ها را که شناخت و دریافت درستی از این جهت ندارند توجه نکرده‌ام. فیلمنامه‌نویسی را نسبت به دیگر قالب‌های نویسندگی دوست دارم و بیشتر هم در این زمینه قلم فرسایی می‌کنم. علاوه بر کلاس‌های اندک این حرفه، کتاب‌های متعددی را از آثار بزرگ نویسندگان ایرانی و خارجی گردآوری و تحلیل کرده‌ام و برای ارتقای آموخته‌هایم در این حیطه کوشش نموده‌ام. شاید قریب به سیصد جلد فیلمنامه کوتاه و بلند از نویسندگان مختلف مطالعه کرده باشم و هر بار هم با نکته‌ها و چیزهای جدیدی برخورد کرده‌ام و در آثارم به کار

گرفته‌ام. شاید علت اصلی عدم گزینش برخی آثارم، سخت‌گیری خودم بوده است که دوست ندارم کسی به متنم دست بزند و آن را کلاً تغییر دهد. آخر بعضی‌ها علاوه بر متن و روایت داستان حتی شخصیت‌هایت را هم حذف می‌کنند. آن هم شخصیت‌هایی که خودت خلقشان کردی، به آنان جهت داده‌ای و زنده‌شان کرده‌ای. البته از نقد بد نمی‌آید و نقد اثر را دوست دارم زیرا هیچ اثری بدون نقد و بررسی به تعالی نخواهد رسید. چاپ فیلمنامه که فعلاً فیلمی از روی آن ساخته نشده باشد قطعاً خواندنی و لذت بخش است و قوه تخیل خواننده را وامی‌دارد که همچون یک فیلم در ذهن خود، آن را بسازد و با آن همراه شود. در اکثر مواقع به «فیلمنامه خوانی» نسبت به «نمایشنامه رانی» کم توجهی شده است و حتی در خیلی کلاس‌ها از خواندن آن طفره می‌برند و این وظیفه را به عهده هنرجو می‌گذارند ولی در عوض در همه‌ی کلاس‌ها یا آموزشگاه‌ها، فیلمنامه‌خوانی وجود دارد. در حالی که شباهت کمی بین این دو حرفه است و تفاوت‌های فاحشی دارند و کسانی که می‌خواهند به طور مجزا هر دو را فرا گیرند نیازمند تفکر و تحلیل هر دو شاخه هستند. شاید چاپ فیلمنامه‌ها قبل از فیلم شدن — آغازی باشد برای نگرش به این حرفه بیشتر توجه شود و نویسندگان این آثار به خود توان و امید بخشند و نویسنده‌ای باشد برای همه کسانی که به نحوی این حرفه را دوست دارند. باید پذیرفت که نوشتن یک سناریو را هم یک نویسنده انجام می‌دهد و کاملاً به نوشتن و شخصیت‌پردازی و روایت ادبایی و تسلط کافی دارد و فقط تفاوت در قالب داستان است. خواندن فیلمنامه‌ها به دلیل کم بودن حجمشان برای خوانندگان جوان و کم‌طاقت امروز که از خواندن داستان‌های طویل فاصله گرفته‌اند، می‌تواند لذت خواندن یک روایت ادبی را به آن‌ها بچشاند. فیلمنامه هم جزئی از ادبیات داستانی‌اند و چه به فیلم تبدیل بشوند و چه نشوند، نباید اصالت و ظرافت خود را از بین ببرند. مثلاً خود من ممکن است که تا سال‌های بعدی فیلمنامه‌های دیگری را کار کنم زیرا در آغاز این راه هستم و امکان دارد که فقط تعداد اندکی از میانشان مورد توجه قرار بگیرد و فیلم شوند ولی دلم نمی‌خواهد بقیه آنان همانگونه باقی بمانند و کسی هم مطالعه‌شان نکند پس تنها راه ماندگاری بقیه آثار می‌تواند چاپ کردن آنان باشد. با این امید که فیلمنامه‌ها در کشور رونق یابند و آن‌هایی که به هر نحوی فیلم نشده‌اند حداقل کتاب شوند و برای نسل‌های آتی تاثیرگذار باشند. همان طور که «جیمز اولز» می‌گوید:

فیلمنامه‌خوانی بهترین نوع آموزش برای فیلمنامه‌نویسی است - زیرا هم اهالی این فن، کار بلد می‌شوند و هم نویسندگان این آثار مطرح...!

شاهین فولادوند

www.ketab.ir